

## اصطلاحات تاریخ محلی

در این نوشتار سعی بر آن شده تا اصطلاحات تاریخ محلی را که در کتاب «سازمان‌های محلی» تألیف آقای یوسف دانش خوشبو، استخراج گردد. این کتاب که در سال ۱۳۴۹ توسط انتشارات دانشکده علوم اداری و مدیریت بازرگانی دانشگاه تهران چاپ گردیده است؛ به چگونگی تشکیل سازمان‌های محلی و اهمیت این سازمان‌ها می‌پردازد. به طوری که نویسنده در مقدمه کتاب ذکر کرده است: «در بیان اهمیت نقشی که سازمان‌های محلی در دوام و بقای کشورها دارند، همین بس که به عقیده آلمان‌ها، بعد از جنگ دوم جهانی که تمام قدرت‌های ملی و مملکتی آلمان بر اثر عوارض ناشی از جنگ از بین رفته بود، سازمان‌ها و مقامات محلی بودند که عملاً ثابت کردند عامل اصلی و اساسی در حفظ حاکمیت و استقلال کشور بوده و در تقویت روح ملی و میهن پرستی آلمان‌ها نقش عمده‌ای را بر عهده دارند. استفاده از وجود سازمان‌های محلی واقعی به منظور توسعه همه جانبه کشور یکی از مهمترین عوامل پیشرفت حیات اجتماعی عصر ما است. در کشورهایی که به افکار و عقاید مردم احترام گذاشته می‌شود سازمان‌های محلی به معنای صحیح کلمه وجود دارند. یعنی مردم محل در مسائل مربوط به امور محل شرکت دارند و پس از ایجاد سازمان، اداره کنندگان محل تا آنجا که امکان دارد در پیشرفت نیات و مقاصد محل به سازمان‌های محلی کمک می‌کنند».

در زیر اصطلاحاتی که از این کتاب استخراج گردیده، ذکر می‌گردد.

### ۱- سازمان‌های محلی (Local organizations)

سازمان‌های محلی از قدیمی‌ترین مؤسساتی هستند که اجتماعات بشری برای رتق و فتق امور خود ایجاد کرده‌اند. این سازمان‌ها دارای ریشه‌های تاریخی و طبیعی می‌باشند به همین جهت می‌توان ادعا کرد که دوام و زوال اقوام و کشورهای مختلف تا حد قابل ملاحظه‌ای بستگی به نحوه تلقی آنها نسبت به سازمان‌های محلی دارد. موضوع مهمتری را که در این امر باید در نظر گرفت این است که، سازمان‌های محلی که در ابتدای پیدایش جوامع بشری وجود داشتند و دارای استقلال و واقعیت بودند، بعداً که حکام محلی به نام خان، لرد، کنت و فئودال بر مردم یک نوع حکومت محلی ایجاد کردند، در واقع سازمان‌های محلی به معنای واقعی نبودند. زیرا در این نوع سازمان‌ها با اینکه اداره امور محل در سطح محلی حل و فصل می‌گردید، اما این حل و فصل به وسیله‌ی مردم محل نبود، بلکه به دست متنفذین محلی بود. به این ترتیب اختلاف مهمی در سازمان‌های محلی که سابقاً وجود داشت و سازمان‌های محلی که امروز وجود دارد، دیده می‌شود. اکنون همان طور که در سطح بزرگ مملکتی در کشورهای مشروطه، حاکم اصلی مردم هستند که با انتخاب نمایندگان یا مستقیماً در کار مملکت داری دخالت می‌نمایند در سطح محلی نیز تا آنجا که مربوط به امور محل است حاکم اصلی مردم هستند که در امور مربوط به محل اظهار نظر و اتخاذ تصمیم می‌کنند. در نقاطی که سازمان‌های محلی به معنای حقیقی وجود دارند دموکراسی واقعی نیز وجود دارد یعنی خود مردم محل بر خود و بر امور محل حکومت می‌کنند.

## ۲- وضع مالی سازمان‌های محلی

در ارزیابی وضع سازمان‌های محلی اول مجموعه درآمد سالیانه و دیگر این مسئله که چند درصد از درآمد حاصله از منابع حکومت مرکزی به سازمان‌های محلی اختصاص داده می‌شود، از عوامل مهم و مؤثر به شمار می‌روند. همچنین برای ارزیابی وظایف و خدماتی که سازمان محلی انجام می‌دهد، میزان درآمد آن بسیار مهم است. هر قدر درآمد کمتر باشد خدمات انجام شده محدودتر است و هر چه درآمد بیشتر باشد سازمان محلی بالقوه و حتی بالفعل قدرت بیشتری برای انجام خدمات عمومی خواهد داشت و همچنین کمک‌های مالی حکومت مرکزی به سازمان‌های محلی درجه استقلال آن‌ها را تعیین می‌کند. درآمد سازمان‌های محلی معمولاً از چهار منبع اساسی زیر تأمین می‌شود. ۱- مالیات و عوارض مستقیم ۲- عوارض توأم با مالیات ۳- کمک‌های مالی مشروط و غیر مشروط حکومت مرکزی ۴- بهای خدمات.

## ۳- تمرکز زدائی (Decentralization)

این واژه در اصل از واژه‌ی تمرکز گرایی (Centralism) ریشه می‌گیرد. و در علوم سیاسی به معنی تقسیم عادلانه قدرت مرکزی در سطح جامعه بین قدرت‌های محلی، منطقه‌ای و ناحیه‌ای است.

تمرکز زدائی نه تنها شامل وظایف مجاز و اختیاری است، بلکه وظایف اجباری را نیز که در انجام آن‌ها سازمان‌های محلی دارای اختیارات و صلاحیت زیادی نیستند، شامل می‌شود. در واقع در اینجا نماینده‌ی مردم محل، مأمورین انتخابی هستند که حق تعیین خط مشی‌ها را دارند.

## ۴- عناصر تشکیل دهنده سازمان محلی

### - جمعیت (Population)

اولین عامل مهم در ایجاد سازمان‌های محلی جمعیت است، چون حکومت محلی برای رفع احتیاجات مردم تشکیل می‌شود و اگر جمعیت وجود نداشته باشد، حکومت محلی معنی نخواهد داشت.

### - قلمرو (Territory)

هر سازمان محلی بایستی دارای محدوده مشخص و مجزا از سایر واحدهای ارضی باشد، وسعت قلمرو سازمان‌هایی که به منظور اداری ایجاد می‌گردند، طبق مقتضیات حکومت مرکزی و ایالتی تعیین می‌شود. ولی حتی در شرایطی که حکومت مرکزی به منظور انجام مقاصد و نیت خود به ایجاد سازمان‌های محلی اقدام می‌کند، معیارهایی برای اینکار تعیین می‌نماید.

### - حکومت (Goverment)

یکی از مؤسسات بسیار مهمی که جامعه ایجاد کرده حکومت است. حکومت عبارت است از هیئتی که به نمایندگی از یک اجتماع سازمان یافته مانند دهکده، ده، شهر، ولایت، ایالت و کشور عهده دار وظایف و مسئولتهای معینی است. که به وسیلهی آن کشور اعمال حاکمیت می نماید و به هدفهای خود می رسد. فرمهای مختلف حکومت، سلطنت مطلقه، اریستوکراسی یا اشرافی و دموکراتیک است.

### -حاکمیت (Sovereignty)

اصل حاکمیت یکی از ارکانهای اساسی کشورها و حکومتهای جهان و وسیله اعمال قدرت بر اتباع می باشد. منظور از حاکمیت، قدرت و اقتدار عالیه سیاسی است که در یک کشور وجود دارد. حاکمیت طبق تعریف «بدن» عبارت است از اعمال اقتدار عالیه سیاسی بر تابعین که به وسیله قانون محدود می شود (چون کسی که اقتدار عالیه را دارد خود منشأ قانون است). و اقتدار عالیه برخلاف اقتداراتی که به گروهها در داخل کشور داده می شود، مداوم و تفویض شده برای مدت نامحدود و غیر قابل انتقال و مطلق بوده و تابع دستوری نیست.

اشکال مختلف حاکمیت:

-حکومت جهانی

-حکومت فوق کشورهای مستقل

- حکومت کشورهای مستقل

- حکومت با شبه حاکمیت

- حکومتهای فاقد حاکمیت یا سازمان محلی.

### -استقلال (Independence)

سازمانهای محلی برای انجام وظایف محلی باید دارای حقوق و اختیارات کافی باشند، این اختیارات معمولاً ناشی از اجازه قانونی است که توسط ارگانهای صلاحیت دار حکومت مرکزی تفویض می گردد. اختیارات محلی در سازمانهای انتخابی از طریق انجمنهایی که اعضای آن توسط مردم انتخاب می شوند، اعمال می گردد. حدود اختیاراتی را که سازمانهای محلی اعمال می نمایند بیشتر بستگی به منشأ قدرت آنها دارد. سازمانهای محلی حقوق و امتیازات خود را معمولاً از سه منشأ به دست می آورند: ۱- قانون اساسی ۲- قوانین عادی ۳- تصویب نامهها و آیین نامههای قوه مجریه.